

مسئولیت کیفری مداخله‌کنندگان در گروه‌های مجرمانه در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل

محمد رضا درخشان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

غلامحسین رضایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲

دکتر مصطفی فروتن^۳

چکیده

در اسناد بین‌المللی مسئولیت کیفری جمعی در چارچوب‌هایی نظیر مباشرت، سببیت، آمریت، تحریک، عضویت در گروه نمود می‌یابد. در برخورد با مداخله‌کنندگان چهار شیوه عنوان شده است که عبارتند از: نظام نفی شرکت و معاون، سیستم پذیرش شرکت در کنار مباشرت و نفی معاونت، سیستم پذیرش معاونت در کنار مباشرت و نفی شرکت و سیستم پذیرش سه عنوان مستقل. در ایران از نظام چهارم استفاده شده است. نظام اول یعنی، نفی شرکت و معاونت که قصد ساده کردن حقوق جزا از عناوین موجود را دارد بر این باور است که عنوان مباشرت و مباشرین، جهت مبارزه با مداخله‌کنندگان مستقیم و غیرمستقیم در جرم کفایت می‌کند در حقیقت مطابق این نظر بهتر است تفاوت‌های بین شرکای جرم و همکاران مجرم (معاونین) حذف شود و با عنوان وا حدی یا مداخله‌کنندگان مستقیم و غیرمستقیم در جرم مقابله شود. در زیر مجموعه نظام دوم یعنی پذیرش شرکت و مباشرت و نفی معاونت دو تفکر مستقل وجود دارد: نفی معاونت و عدم پذیرش آن به طور کلی و پذیرش مشروط معاونت به صورت تبعی به عنوان بخش جداناپذیر عمل مجرم اصلی و مباشر جرم. در نظام سوم معاونت و مباشرت پذیرفته شده اما با شرکت در جرم در قالب مباشرت برخورد می‌گردد. در نهایت در نظام چهارم این سه عنوان به صورت مستقل به رسمیت شناخته می‌شوند. در این نظام قانون‌گذار ضمن تفکیک سه عنوان مباشرت، شرکت و معاونت در جرم، قصد تمایز قائل شدن بین آثار متفاوت مرتب هریک را دارد.

کلید واژه‌ها: گروه‌های مجرمانه، مداخله‌کنندگان، مباشرت در جرم، معاونت در جرم، سردستگی، اسناد بین‌الملل

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. Aderakhshan@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) Gh-h-rezaii@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. Forutanmostafa@gmail.com

مقدمه

مسئولیت کیفری، به عنوان حلقه رابط میان جرم و مجازات، یکی از موضوعات اساسی حقوق جزا به شمار می‌رود. ارتکاب جرم در شرایطی که قابلیت انتساب به مرتکب را داشته باشد، موجب استقرار مسئولیت کیفری و مجازات خواهد شد؛ مگر آنکه مجرم به دلایلی قادر به تحمل مسئولیت جزایی نباشد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر چه تعریفی از مسئولیت کیفری ارائه ننموده لیکن در بخش چهارم خود از ماده ۱۴۰ تا ۱۵۹ شرایط و موانع مسئولیت کیفری را احصا کرده و احکام هر یک را بیان داشته است؛ این در حالی است که در قانون قبلی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین تفکیکی وجود نداشت.

به موجب اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری که قانون گذار در ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به صراحت مطرح کرده است، نمی‌توان هیچ کس را برای فعل یا ترک فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست. در ارتباط با مسئولیت کیفری، علاوه بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، موضوع دیگری تحت عنوان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر قابلیت طرح و بررسی می‌یابد که در تأسیسات حقوقی کشورهای دنیا امری شناخته شده و حائز اهمیت است. به عنوان مثال در مورد حقوق انگلستان می‌توان به قضیه کوپن علیه هور و همچنین بخش ۲۴ قانون داروسازی و سموم، مصوب ۱۹۳۳ اشاره کرد. علاوه بر این، می‌توان گفت که در برخی از اسناد بین‌المللی نیز این مسأله مورد اشاره قرار گرفته است.

مجبور بودن شخص نسبت به تحمل تبعات کیفری رفتار مجرمانه خود (که در قالب مجازات است) را مسئولیت کیفری گویند. برای تحقق مسئولیت کیفری تحقق سه رکن اهلیت جنایی، تقصیر و اسناد ضرورت دارد. از آن جا که ارتکاب جرم چه در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری و چه در حوزه داخلی مستلزم انجام افعال متعدد و پیچیده است، در بسیاری از جرایم، تعداد زیادی از افراد به طور مستقیم و غیر مستقیم دخیل هستند که فعل آن‌ها در چهار چوب هایی نظیر مباشرت، سببیت، آمریت، تحریک، عضویت در گروه و... نمود می‌یابد. در برخی از روش‌های دخالت فرد در رفتار مجرمانه، فرد مرتکب صرفاً به انجام اقدامات حاشیه‌ای می‌پردازد، به نحوی که در عملیات اجرایی جرم دخالتی نداشته باشد. در برخی اشکال دیگر، اقدام مرتکب به نحو انجام اقدامات فکری و معنوی است؛ در واقع در این حالت مرتکب مغز متفکر گروه است و بدون آن که در عملیات اجرایی جرم مداخله‌ای داشته باشد، نقش پررنگی را در تحقق فعل مجرمانه ایفا می‌کند. در حاشیه بودن این دسته از مرتکبین، گاه به نحوی است که انتساب عمل را به ایشان در مرحله ثبوت و اثبات متعسر می‌سازد و گاه مسئولیت ایشان را در حد معاون جرم تقلیل می‌دهد و گاه موجب بی‌کیفرمانی ایشان می‌شود. در حقوق بین‌الملل کیفری از آن جهت که اولاً؛ اقدام سازمان یافته شرط تحقق برخی جرایم است و ثانیاً؛ تمامی شرکت کنندگان به طور یکسانی عامل نمی‌کنند و ممکن است هر کدام از آن‌ها نقشی متفاوت در طراحی، سازمان‌دهی، تحریک نمودن، هماهنگی و اجرا ایفا نمایند، تعیین مرز دقیق مسئولیت هر یک از مداخله‌کنندگان در جرم، امر دشواری است. از دیگر سو یافتن دلیل و مدرک و شاهد علیه هر فرد به نحو مجزا، در این جرایم مشکل است، لذا نیاز به نهادی که مسئولیت افراد حاشیه‌ای و غیر دخیل در فعل مجرمانه را پوشش دهد، بسیار مبرم است.

در این نوشتار سعی بر بررسی در مسئولیت کیفری مداخله‌کنندگان در گروه‌های مجرمانه در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل می‌باشد.

نظریه‌های مباشرت در جرم

مباشرت در جرم در نظام‌های حقوقی، در دو مفهوم مباشرت به معنای ارتکاب توسط شخص واحد و یا ارتکاب جرم توسط اشخاص متعدد به کار می‌رود. در مفهوم اول، عبارت مباشرت و در مفهوم دوم که معمولاً مختص نظام‌های مستلزم نفی عنوان شرکت است، عنوان مباشران به کار می‌رود. بعضی از نظام‌ها، نظیر فرانسه و افغانستان با نفی مفهوم شرکت در جرم، مفهوم مباشرت و مباشران را برای مقابله با مداخله‌کنندگان مستقیم (در کنار معاونت) کافی دانسته و از نهادسازی شرکت در جرم صرف‌نظر کرده‌اند.^۱ در حقوق جزای ایران می‌توان مباشرت جرم را به عنوان مرتکب جرم واحد توسط شخص واحد و به عنوان کسی که شخصاً و به تنهایی اعمال تشکیل دهنده‌ی جرم را مستقیم (مباشر مادی) یا غیرمستقیم (مباشر معنوی) انجام می‌دهد دانست؛ بنابراین مباشرت جرم ممکن است جرم را به تنهایی انجام دهد و یا شخصی وی را همراهی کند. این همراهی در نظام حقوقی ایران به شکل مداخله در رکن مادی و عملیات اجرایی جرم است که از آن به عنوان شرکت در جرم یاد می‌شود یا همراهی یا مباشرت به شکل غیرمستقیم است؛ به نحوی که مساعدت‌کننده، مداخله‌ی مستقیم در عملیات اجرایی جرم را ندارد که در این صورت عنوان معاونت در جرم به کار می‌رود.

در قوانین جزایی ایران اعم از قانون ۱۳۰۴، ۱۳۵۲، ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ مباشرت جرم تعریف نشده است، بلکه دکتترین آن را با استفاده از مفهوم شرکت و معاونت و اصول کلی حقوق جزا تعریف می‌کنند. به علاوه مباشرت معنوی (با واسطه) نیز در کلیات قوانین جزایی ایران تعریف نشده است، بلکه دکتترین و رویه قضایی با تقسیم مباشرت به مادی و معنوی، ارتکاب جرم راساً توسط مرتکب را تحت عنوان مباشر مادی و ارتکاب توسط ابزار حیوان و شخص جاهل و افراد فاقد مسئولیت کیفری که به عنوان ابزاری تحت پید فرد می‌باشند تحت عنوان مباشر معنوی دانسته‌اند.^۲

حقوق آلمان «فاعل معنوی» یا مرتکب جانشین را در کنار معاون جرم مطرح کرده است و به شخصی گفته می‌شود که شخص غیرمسئولی را وادار به ارتکاب جرم می‌کند، به گونه‌ای که مباشرت جرم نقش وسیله را دارد. در نظریه‌ی فعال معنوی که فاعل غیرمباشر یا فاعل با واسطه نیز نامیده می‌شود، ماهیت مجرمانه‌ی معاونت از ماهیت مباشرت گرفته می‌شود. بر این اساس وقتی مباشر شخصی غیرمسئول باشد، عمل معاون را نیز نمی‌توان تعقیب کرد؛ بنابراین باید به دنبال نظریه‌ی دیگر گشت که همان نظریه‌ی فاعل معنوی است. قانون ایتالیا (ماده ۱۱۱) قانون آلمان (ماده ۱-۲۵) قانون کویت (ماده ۳-۴۷) قانون مغرب (ماده ۱۳۱) و قانون امارات متحده عربی (ماده ۴۴) از جمله قوانینی هستند که نظریه‌ی فاعل معنوی را به رسمیت شناخته‌اند. به عنوان نمونه ماده‌ی ۲۵ قانون مجازات آلمان مقرر می‌دارد «هر فردی که خود یا طریق دیگری مرتکب فعل مجرمانه گردد، به عنوان مرتکب اصلی

۱. مواد ۴-۱۲۱ قانون جزای فرانسه. نیز ماده ۳۸ قانون افغانستان.

۲. بوهلاندر، میکسل، مبانی حقوق کیفری آلمان، ترجمه‌ی اصلی عباسی، چاپ اول، مجلد، ۱۳۹۰، ص ۳۲۳.

۳. عباس زراعت، ۱۳۸۴، ۸۱-۸۲.

مجازات خواهد شد»^۴. در قانون جدید اسپانیا نیز آمده است: «فاعل جرم شامل کسی نیز می‌شود که فعل را با استفاده از دیگری به عنوان یک وسیله انجام داده است»: بنابراین کسانی که عاملان بی‌گناه را در خدمت می‌گیرند، باید همچون کسانی که برای رسیدن به اهداف مجرمانه از ماشین‌آلات استفاده می‌کنند، مسئول شناخته شوند.^۵

در حقوق ایران باید اذعان داشت هر چند در کلیات قوانین جزایی از ابتدا تا کنون عنوان مباشر معنوی به شکل مستقیم و غیر مستقیم به کار نرفته است: اما با نگاهی به بعضی از مواد دیگر: از جمله تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۹۸ و تبصره‌های ماده‌ی ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و نیز ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، می‌توان توجه قانون‌گذار تحت عناوین در حکم مباشر یا مسئول اصلی ملاحظه کرد. در خاتمه این بحث باید سستی میان عنوان مباشر معنوی با عناوین مباشر مشابه؛ نظیر سبب (در کنار مباشر) معاون در جرم یا معاون در حکم مباشر، بکاربردن افراد برای ارتکاب جرم و مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر به شرح ذیل قائل تفاوت شد.

تفاوت مباشر معنوی با سبب و معاون

تقسیم‌بندی مرتکب جرم به دو شکل مباشر (مستقیم) و سبب (غیرمستقیم) معمولاً در جنایات علیه تمامیت جسمانی (قتل و ضرب و جرح) و گاهی سرقت و تخریب ریشه‌ی فقهی دارد. فقها معمولاً مباشرت در قلمرو مذکور را به ارتکاب مستقیم جرم توسط فاعل و در حقیقت علت جرم (در معنای کاری که از وجودش وجود معلول و از عدمش عدم معلول حاصل شود) تلقی و در مقابل، سبب را ارتکاب غیرمستقیم جنایت توسط فاعل و مسبب را شخصی می‌دانند که وجود عملش ملازمه‌ی مستقیم با جنایت ندارد ولی عدم عملش عدم جنایت حاصل می‌شود. معمولاً سبب را در سه شکل سبب عرفی، شرعی (قانونی) و حسی تقسیم‌بندی می‌کنند. مفهوم فوق با معاونت در جرم و مباشر معنوی تفاوت اساسی دارد. بدین توضیح که سبب در حقیقت مباشر غیرمستقیم جرم و در تولید جرم نقش اساسی دارد و به طور مستقل مسئولیت کیفری داشته و حتی در مواقعی که در کنار مباشر قرار گیرد، ممکن است به دلیل قوی اقوی بودن نسبت به مباشر مسئول قلمداد شود.^۶ در حالی که معاون امری تبعی بوده، همیشه حیات وی نیازمند وجود مباشر یا سبب است و در عملیات اجرایی جرم نقش ندارد.

اگرچه عنوان سبب گاهی با مفهوم مباشر معنوی نزدیک می‌شود و حتی در بحث جنایات جسمانی علیه اشخاص، سبب اقوی از طریق بکار بردن افراد غیر مسئول در جنایات با عنوان مباشر معنوی هماهنگ است؛ اما بحث سبب معمولاً در جنایات جسمانی علیه اشخاص مطرح می‌شود و در این قلمرو بهتر است از عنوان مباشر معنوی استفاده نشود. این موارد در حالی است که موضوع مباشر معنوی در تمامی جرایم قابل بحث است. به علاوه به نظر می‌رسد حتی در بحث جنایت علیه تمامیت جسمانی، هنگامی که سبب همانند مباشر از افراد جاهل به عنوان ابزار استفاده می‌کند، می‌توان از سبب معنوی (در کنار مباشر معنوی) سخن گفت و وارد بحث اجتماع اسباب در طول یا عرض هم نشد. به عنوان نمونه، فرضی که در آن سبب، قصد کشتن کسی را از طریق حفر چاه دارد و از چاه‌کن جاهل استفاده می‌کند؛ به نظر می‌رسد اصولاً تفکیک مباشرت از سبب در حوزه‌ی فقه جزایی توجیه قوی ندارد و مفاهیم مذکور بیش‌تر از مبانی شرعی و فقهی، مبنای عرفی و عقلی دارند. بدین توضیح که از نظر

۴. عباسی، ۱۳۸۹

۵. فاچر، ۱۳۸۴، ۳۲۲

۶. ماده ۵۲۶ ق.م.مصوب ۱۳۹۲

عرف چه کس دیگری را مستقیم داخل چاه بیندازد و یا چاهی بکند^۷ و دیگری در داخل آن بیافتد، چه چاقو به قلب دیگری بزنند و چه سم در غذای او بریزد، قاتل و مرتکب جرم شناخته می‌شود و تفکیک مباشر از سبب و نیز طولی و عرضی کردن آن به جز پیچیدگی موضوع گاهی نتایج غیرمنطقی نیز به دنبال دارد.^۸

تفاوت مباشر معنوی با معاون و معاون در حکم مباشر

معاون در جرم نقش فرعی دارد و وقع جرم را تسهیل می‌کند، در حالی که مباشر معنوی نقش اصلی در ارتکاب جرم دارد و جرم مستقیم به وی منتسب است. در بحث معاونت در جرم وجود مباشر جرم شرط اصلی است، به نحوی که معاون رکن قانونی خود را از وی عاریه می‌گیرد؛ در حالی که مباشر معنوی رکن قانونی خا جرم خاص خود را دارد و پدیدآورنده جرم است.^۹ بنابراین عنوان مباشر معنوی، قسمتی از معاونت یا بالعکس نیست. همچنین عنوان مباشر معنوی نایستی با معاون در حکم مباشر اشتباه شود.

در قوانین جزایی گاهی گذار تصمیم گرفته با بعضی مصادیق معاونت؛ از جمله دستور به ارتکاب جرم، همانند مباشر برخورد کند و این گونه معاونین را مباشر فرض کند. به عنوان نمونه: در جرم آدم‌ربایی - ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) - ربودن افراد توسط دیگری (آگاه) را مباشر تلقی کرده است، در حالی که طبق اصول کلی حقوق جزا، فاعل ربایش کسی است که فعل هادی ربودن و جابجایی بزه دیده را انجام می‌دهد و دستوردهنده و محرک اصلی بایستی تحت عنوان معاون در جرم تحت تعقیب قرار گیرد؛ اما قانون گذار به دلیل اهمیت ویژه جرم آدم‌ربایی و خطرات آن، این نوع معاونت (دستور به آدم‌ربایی و آدم‌ربایی توسط دیگری) را مباشر جرم آدم‌ربایی تلقی کرده است (معاون در حکم مباشر). هر چند سایر مصادیق معاونت؛ نظیر تهیه وسیله، تسهیل و .. از قاعده مذکور خارج است؛ اما در فرضی که فردی توسط جاهل یا فرد غیر مسئول مرتکب آدم‌ربایی شود، به دستوردهنده مباشر مباشر معنوی اطلاق می‌شود و نه معاون در حکم مباشر. به عنوان مثال اگر شخصی با قصد آدم‌ربایی به جاهل یا کودک یا مجنون اعلام کند که طفلی که در کنار خیابان ایستاده است را به خانه‌ی وی آورد و جاهل یا کوردک یا مجنون این دستور را انجام دهد، به نظر می‌رسد دستوردهنده مرتکب جرم آدم‌ربایی (مباشر معنوی) شده است و نه معاون در حکم مباشر. مشابه نهاد معاون در حکم مباشر را می‌توان در مواد ۶۷۵، ۵۷۸، ۵۷۹، و ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) می‌توان ملاحظه کرد.

تحلیل تحولات نظام حقوقی ایران در قلمرو مباشرت، معاونت در جرم (پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)

در این قسمت ضمن بیان مزجی بین چهار نظریه‌ی شناخته شده (نظام نفی شرکت و معاونت، نظام پذیرش شرکت و نظام پذیرش سه عنوان مستقل مباشرت، شرکت و معاونت در جرم) یا مباحث مربوط به مباشرت، شرکت و معاونت در جرم حقوق ایران (قبل از قانون اخیر التصویب)، به تحلیل رئوس مطالب این حوزه از پژوهش خواهیم پرداخت.

^۷. قیاسی، جلال‌الدین، تسبیب در قوانین کیفری، نشر جنگل، ۱۳۹۰

^۸. نقد مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی جدید. صادقی، محمدهادی، اجتماع اسباب قانون مجازات اسلامی، مجله آموزه‌های کیفری، ۱۳۹۲، ص ۳۳.

^۹. شاملواحمدی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۲.

هر چند حقوق دانان، قانون عرفی مصوب ۱۲۹۵ (پنجم جمادی الاول ۱۳۳۵ هجری قمری) را که به دلیل تعطیل مجلس سوم، کار تصویب آن در مجلس ناتمام ماند و در نتیجه توسط هیئت وزیران اجرای موقت آن تصویب شد را به دلیل مرجع تصویب آن قانونی تلقی نمی‌کنند و اولین قانون جزای ایران را مصوب ۱۳۰۴ می‌دانند، ولی ملاحظه و بررسی آن مصوبه به دلیل تاریخی و شناخت قوانین بعدی ضروری است. با ملاحظه ۷۰ ماده کلیات قانون مزبور در خصوص تعریف و جایگاه مباشرت در جرم (مادی و معنوی) به وضوح مشخص می‌شود که با خلا ماده قانونی در این زمینه مواجه هستیم. این پایه (سکوت در تعریف و جایگاه مباشر جرم) در سایر قوانین از جمله قانون مجازات ۱۳۰۴، ۱۳۵۲، ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ نیز ملاحظه می‌شود.

شاید در نگاه اول مفهوم مباشرت در جرم و ارتکاب جرم توسط شخص واحد، موضوع بدیهی و نیاز به تصریح و اختصاص ماده‌ای قانونی نداشته باشد؛ اما با توجه به بحث مباشرت معنوی به نظر می‌رسد، اختصاص ماده‌ی قانونی به بحث مباشرت در جرم چنانچه در قوانین آلمان و اسپانیا ملاحظه شد، مفید به فایده باشد. اشکال عدم تعریف مباشر معنوی آنجا آشکار می‌شود که اگر بخواهیم مباشر را صرفاً در مباشر مادی خلاصه کنیم، بسیاری از مواد قانون مجازات در باب جرایم با اشکال مواجه می‌شود. به عنوان نمونه: ماده ۶۷۶ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر کس سایر اشیای منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». حال فرض کنید: الف) مواد محترقه را به ب می‌دهد و ب که جاهل از خاصیت مواد و موضوع است آن را داخل اشیاء (ج) قرار می‌دهد و در نتیجه اشیای (ج) آتش می‌گیرد. حال منطقی آن است که (ب) را به دلیل جهل موضوعی مسئول کیفری ندانسته و به عنوان وسیله ای در اختیار (الف) بدانیم و (الف) را مباشر تلقی کنیم. ولی نحوه نگارش ماده و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری نیز (الف) را فاعل آتش زدن تلقی نمی‌کند و مجازات وی به عنوان مباشر با اشکال قانونی همراه است این اشکال در سایر جرائم نیز ممکن است پیش آید راه حل قضیه پیش بینی ماده‌ای در کلیات است که بتواند در تعریف مباشرت، مباشر معنوی را نیز داخل تعریف مباشرت قرار دهد.

در همین راستا یکی از نظام‌های حقوقی خواهان سه عنوان مستقل مباشرت، معاونت و مشارکت در جرم است. شاید بتوان مدعی شد که مباشر معنوی را نیز می‌توان به دایره‌ی شمول این نظام حقوقی افزود. در این نظام قانون گذار ضمن تفکیک سه عنوان مباشرت، و معاونت در جرم، قصد تمایز قائل شدن بین آثار متفاوت مرتب هر یک را دارد. نظام حقوق جزای ایران و نیز برخی از کشورهای عربی از نظام مزبور پیروی کرده‌اند. در قوانین جزایی ایران، اعم از ۱۳۰۴، ۱۳۵۲، ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و نیز قانون جدید مجازات اسلامی، تفکیک مزبور به چشم می‌خورد، اما علی‌الاصف، هنوز مباشرت معنوی با ابهام جایگاه در تعریف مواجه است.

شرکت در جرم

ورود به بحث در جرم در حقوق ایران، به ماده‌ی ۵۸ قانون جزای عرفی بر می‌گردد. ماده‌ی مزبور مقرر می‌دارد: «هرگاه اشخاص متعدد مرتکب جرمی می‌شوند به طوری که تقصیر همه با مساوی باشد یا این که هر کدام یک جزء از جرم واحد را انجام دهند شرکای جرم محسوب‌اند و مجازات همه یکسان است».

در ماده‌ی مزبور دو نوع شرکت در جرم پذیرفته شده بود: اول- تقصیر همه مساوی باشد؛ به این معنا که شرکت کنندگان همه‌ی ارکان جرم را انجام دهند مثلاً در کلاه برداری همگی تقلب کرده و مال را ببرند. ۲- هر کدام

جزئی از جرم را انجام دهند. مثلاً در کلاه برداری یک نفر تقلب و فریب را به کار برده و دیگری مال را ببرد. ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ با تفکیک دو فرض فوق، فرض اول مذکور در ماده ۵۸ قانون جزایی عرفی را ظاهراً نوعی مباشرت کرد و صرفاً فرض دوم را شرکت در جرم تلقی کرد. ماده‌ی مذکور مقرر می‌کند: «هرگاه چند نفر مرتکب یک جرم شوند به نحوی که هر یک فاعل آن جرم شناخته شوند مجازات هر یک از آن‌ها مجازات فاعل است و اگر هر کدام یک جزء از جرم واحد را انجام دهند به طریقی که مجموع آن‌ها فاعل آن جرم شناخته شوند، شرکای در جرم محسوب و مجازات هر یک از آن‌ها حداقل مجازات فاعل مستقل است...» در حقیقت تصور شرکت در جرم در ماده‌ی مذکور صرفاً ناظر به جرائم مرکب بوده که هر یک از مرتکبین در صورتی که جزئی از آن را انجام دهند شریک تلقی می‌شوند. ماده‌ی بالا چه از نظر نقض تعریف شریک و چه از جهت درجه‌ی مجازات با اشکال مواجه بود، زیرا اولاً: به طور دقیق شریک جرم را مشخص نمی‌کرد. صرف بیان این مطلب که هرگاه چند نفر مرتکب یک جرم شوند به نحوی که هر یک فاعل آن جرم شناخته شود. بیشتر جنبه عملی دارد تا یک نظریه‌ی دقیق حقوقی، ثانیاً درست است که اوضاع و احوال خاص هر شریک برای اعمال مجازات مورد توجه قرار گرفته، اما به هر حال حداقل کیفر فاعل مستقل برای شریک در نظر گرفته شده که در هر حال با ارتباط با فاعل، غیر منطقی و غیر عادلانه است. وانگهی این مسئله موجب آن می‌شد تا تبه‌کاران حرفه‌ای اغلب برای موفقیت در ارتکاب جرم و فرار از مجازات به شکلی صوری به شریک تراشی می‌پرداختند تا بتوانند از امتیازات حداقل مجازات مقرر در قانون استفاده کنند. تعریف از نظر دیگری هم نقض داشت و آن این که جرائم غیر عمدی در مورد شرکا مشخص نشده بود.^{۱۰}

ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ با نسخ ماده‌ی مذکور معیار جدیدی از شرکت را ارائه کرد و مقرر داشت: «هرکس با علم و اطلاع با شخص یا اشخاص دیگر در انجام عملیات اجرایی تشکیل دهنده جرم می‌مشارکت و همکاری نمایند شریک در جرم شناخته شده و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است.» بنابراین معیار شرکت در ماده‌ی اخیر نه انجام جزئی از جرم، بلکه انتساب عملیات اجرایی به افراد دخیل در جرم است. رویه‌ی قضایی نیز عملیات اجرایی جرم را در دو گستره انجام کامل عنصر مادی جرم یا جزئی از آن و نیز مداخله در عملیات اجرایی به شکل مداخله و حضور در صحنه‌ی جرم مشروط به این که معاونت نباشد تفهیم کرد. در مفهوم اخیر به طور مثال سه نفر با قصد سرقت انگشتر وارد منزل غیر می‌شوند و در نهایت پس از تفحص یک نفر موفق به پیدا کردن انگشتر و ربودن آن می‌شود ولی رویه قضایی با تفهیم مداخله هر سه نفر در عملیات اجرایی سرقت، هر سه نفر را شریک در جرم سرقت قلمداد می‌کند. ماده‌ی مذکور که شرکت در جرائم غیر عمدی را نیز پیش بینی کرده بود، با تغییرات اندکی ابتدا در ماده‌ی ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و سپس در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تکرار شد. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هر کس عالمماً و عاملاً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آن‌ها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آن‌ها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل خواهد بود» به جز

۱۰. نوربها، ۱۳۶۹، ۱۷۳ و ۱۷۴

وجوه تشابه ماده‌ی اخیر با ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ در قلمرو پذیرش شرکت در جرائم غیر عمدی و نیز تخفیف یا تشدید مجازات در صورت تأثیر ضعیف عمل شریک و یا سردستگی وجوه افتراق دو ماده به شرح ذیل است:

۱- ماده ۲۷ ق.م.ع ۱۳۵۲ شرکت در جرم را به صورت عام و شامل تمامی جرائم دانسته بود در حالی که در ماده‌ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ شرکت در جرم مختص جرائم تعزیری و بازدارنده بود و در نتیجه در قلمرو حدود، قصاص و دیات بایستی به ابواب مربوط رجوع کرد.

۲- در ماده ۲۷ ق.م.ع ۱۳۵۲ شرط شرکت در جرم، مشارکت و همکاری در عملیات اجرایی جرم تلقی شده بود که چنانچه گفتیم رویه قضایی آن را تفسیر کرده بود. در قوانین بعد از انقلاب شرکت به مشارکت کردن در جرم و استناد جرم به مداخله کنندگان تفسیر شد که به نظر می‌رسد دارای ابهام بیشتری از ماده قبلی است. با این حال، در رویه قضایی حاضر در خصوص تعزیر شرکت در جرائم تعزیری و بازدارنده، تغییری نسبت به سابق ملاحظه نمی‌شود.

۳- ماده‌ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با قید و توصیف اینکه خواه عمل هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد یا نباشد و خواه اثر کار آن‌ها مساوی باشد خواه متفاوت باشد شرح بیشتری در شناخت مفهوم و شرایط تحقق شرکت داده که می‌تواند در این جهت مفید واقع شود.

به اقتضای بحث حاضر تشریح سه نظام نفی شرکت و معاونت و پذیرش شرکت در کنار مباشرت و نفی معاونت مفید خواهد بود. نظام نفی شرکت و معاونت که قصد ساده کردن حقوق جزا از عناوین متعدد را دارد. بر این باور است که صرفاً عنوان مباشر و مباشرین، جهت مبارزه با مداخله کنندگان مستقیم و غیر مستقیم در جرم کفایت می‌کند. در حقیقت مطابق این نظر بهتر است تفاوت‌های بین شرکای جرم و همکاران مجرم (معاونین) حذف شود و با عنوان واحدی با مداخله کنندگان مستقیم و غیر مستقیم در جرم مقابله شود. چنانچه فوق‌الیه است (در کتاب مطالعات حقوق جزای آلمان، مطالعات نظری) به این نتیجه رسیده که: «هر کس باعث و موجب شرایطی بشود که منتهی به وقوع جرم گردد، به لحاظ آنکه شرایط منتهی به جرم از حیث نتیجه با یکدیگر مساوی هستند موجدان شرایط مزبور نیز تساوی مسئولیت داشته‌اند» با این فرمول شرکت و دخالت در هر نوع مواضعه و قرارداد و معاملات مجرمانه، مثل این است که شریک و دخالت کننده خود مجرم اصلی است و کلیه‌ی آن اشخاص مجرمین متعدد در جرم مشخص و معین محسوب می‌شوند. این نظریه سابق بر این توسط کار را اظهار شده بود. بدین توضیح که وی معتقد بود: موضوع شرکت در جرم به کلی باید از بین برود، بدون آنکه زیانی به نتیجه عملی و عملی عدالت متوجه بشود. این طور که هر کس باید مسئول عمل خود باشد، بنابراین دیگر حاجتی نیست. که ارتباطی بین عمل او و عمل مرتکب اصلی برقرار کنیم. نظریه‌ی فوق در گذشته‌های جهانی حقوق جزا مورد بحث و تأیید قرار گرفت و الهام بخش مقننان قانون مجازات عمومی نروژ و طرح جدید قانون جزای فدرال سویس گردید.^{۱۱}

۱۱. گارو، ۱۳۴۸: ج ۳، ۱۸ و ۱۹

در نظام پذیرش شرکت در کنار مباشرت و نفی معاونت، در کنار مبحث مباشرت، شرکت در جرم نیز پذیرفته شده ولی عنوان معاونت وجود ندارد. در زیر مجموعه این نظام دو تفکر مستقل دیده می‌شود. تفکر اول، کلا و چود نهادی به عنوان معاونت در جرم را نفی می‌کند. و اصولاً معاون را مجرم تلقی نمی‌کنند. چنانچه در نظام حقوقی یهود در این باره ضرب المثلی وجود دارد: « در مسائل مربوط به جرم هیچ کس نماینده دیگری محسوب نمی‌گردد». ایده‌ای که از این ضرب المثل برداشت می‌شود آن است که جرم مستلزم آلودگی مجرم است و آلودگی تنها از طریق دست داشتن در ارتکاب بزه به وجود می‌آید. راهنایی، مشاهده، یاری و یا حتی دستور دادن به مجرم اصلی ممکن است به خاطر تسهیل وقوع جرم، امری خطا تلقی گردد. ولی سبب آلودگی یا پلیدی معاون نمی‌گردد^{۱۲}. مطابق تفکر دوم، به عکس معاونت به عنوان بخش جداناپذیر عمل مجرم اصلی و مباشر جرم تلقی شده، ولی توجیهی در تفکیک آن از مبحث شرکت در جرم احساس نمی‌شود. و در حقیقت با توسعه مفهوم شرکت، مداخلات غیر مستقیم و تبعی نیز اشتراک در جرم تلقی می‌شود.

در نهایت، در نظام پذیرش معاونت در کنار مباشرت و نفی شرکت که در قانون مجازات عمومی فرانسه و افغانستان مورد تبعیت قرار گرفته است. عنوان شرکت در جرم وجود ندارد، بلکه قانون‌گذار، عنوان معاونت را در کنار مباشرت کافی برای مقابله‌کنندگان در جرم تلقی کرده است. ماده ۴-۱۲۱ قانون مجازات عمومی فرانسه مقرر می‌دارد: « فاعل جرم کسی است که: ۱- مرتکب رفتارهای مجرمانه شود. ۲- شروع به ارتکاب یک جنایت یا در موارد پیش بینی شده در قانون یک جنجحه نماید» در حقیقت قانون‌گذار فرانسه با عدم تخصیص ماده‌ای به شرکت در جرم خواسته است، بحث شرکت در جرم را در شکل فاعل و مباشر جرم و در حقیقت مباشرین جرم تلقی کند و یا در صورت صدق با عنوان معاونت (مذکور در ماده ۶-۱۲۱ و ۷-۱۲۱ آن قانون) معاون در جرم تلقی کند. همچنین نمونه‌ی دیگر از این نظام را می‌توان در مواد ۳۸ تا ۴۸ قانون جزای افغانستان ملاحظه کرد. بدین توضیح که ماده ۳۸ قانون مذکور صرفاً با پیش بینی فاعل و فاعلان جرم (مباشر) و نیز معاون جرم (البته تحت عنوان شرکت در ماده ۳۹) شرکت در جرم را به مفهوم مداخله در عملیات اجرایی جرم، جدای از بحث فاعل جرم به رسمیت نشناخته است. ماده ۳۸ قانون مذکور مقرر می‌دارد: « شخص در حالات آتی فاعل جرم شناخته می‌شود. ۱- در حالی که به تنهایی یا با اشتراک شخص دیگر مرتکب جرم گردد، ۲- در حالتی که به ارتکاب عمل جرمی به نحوی مداخله نماید که از جمله اعمال تشکیل دهند جرم یکی آن را قصداً مرتکب گردد» در حقیقت قانون‌گذار افغانستان در بند یک و دو ماده‌ی مذکور اشتراک در جرم را تحت عنوان فاعل جرم شناخته و نیازی به ابداع عنوان شرکت در جرم ندیده است. البته چنانچه گفتیم ماده‌ی ۳۹ بعد قانون مذکور، عنوان شرکت در جرم با مصادیق تحریک موافقت با جرم و انجام اعمال تجهیزاتی، تسهیلاتی یا تکمیلی ارتکاب جرم، در حقیقت معادل معاونت در نظام حقوق جزای ایران بوده که قانون‌گذار افغانستان به آن اطلاق شرکت نموده است.

البته به عنوان جمع بندی بحث باید در نظر داشت که اولاً به طور قطع حقوق کشورهای مختلف لزوماً در این چهار نظام قرار نمی‌گیرند. و برای شناخت دقیق حقوق هر کشور در خصوص نحوه‌ی مقابله با مداخله‌کنندگان

در جرم بایستی مطالعه‌ی دقیق تری صورت گیرد. علی‌الخصوص که گاه وجود عناوین جدید، نظیر تبانی در نظام کامن لا، نظام‌های مذکور را دستخوش تغییرات اساسی قرار می‌دهد. در این خصوص، به عنوان نمونه می‌توان به نهاد آموزه‌ی قتل هنگام جنایت در حقوق آمریکا اشاره کرد. آموزه‌ی قتل در هنگام جنایت بدین معنا است که اگر دو یا چند نفر هنگام ارتکاب یک جنایت خطرناک (چون سرقت، ورود غیر مجاز به ملک دیگری، تجاوز به عنف، تحریق و صدمات جسمانی) قتلی به وقوع بپیوندد، لازم نیست معاونت تمامی شرکت‌کنندگان در جنایت در این قتل اثبات گردد. بلکه تمامی ایشان متهم به قتل عمد از درجه نخست خواهند بود. تداوم آموزه‌ی قتل در هنگام جنایت یادآور تفکرات سودانگاران در حوزه‌ی عدالت کیفری در آمریکا است. اساس اندیشه‌ی سودانگاران براساس تحلیل سود و زیان بیان شده است. گرچه مجازات مستلزم زیان بزهکاران است، در عوض به علت بازدارندگی نسبت به بزهکاران آینده برای جامعه منفعت خواهد داشت، بنابراین موجه است که دولت با اعمال مجازات اضافی به سارقانی که مرتکب قتل می‌شوند آنان را به سارقان محتاط تبدیل کند و سبب شود تا ایشان هر آن چه برای کاستن خطر مرگ از دستشان بر می‌آید انجام دهند. اعمال مجازات اضافی به این علت است که آن‌ها به صورت‌ها غیرقانونی جان انسانی را در معرض خطر قرار داده‌اند.^{۱۳}

و ثانیاً در درون هر یک از نظام‌های مذکور، تقسیم بندی‌ها و نظریه‌های خاصی وجود دارد که مختصراً توضیح داده می‌شود:

۱- در نظام‌هایی که شرکت در جرم به عنوان نهادی مستقل از مباشرت و معاونت پذیرفته شده است، در تعریف شرکت و قلمرو آن اشتراک وجود ندارد و در بعضی نظام‌ها شرکت در مفهوم حداکثر مداخله و حتی صرف حضور در صحنه یا تبانی ساده تلقی شده است. (شرکت ذهنی) در حالی که در تفسیری دیگر، شرکت در جرم، صرفاً محدود به دخالت در رکن مادی یا عملیات اجرایی جرم تلقی شده است. (شرکت عینی). به عنوان نمونه نظام شرکت در حقوق انگلستان و آمریکا با دید و سبب تری به این مفهوم نگریسته و حتی حضور و تبانی برای تحقق شرکت در جرم کافی دانسته شده است. در حالی که در حقوق ایران، به طور مثال شرکت در قتل صرفاً با مداخله در رکن مادی جرم و اعمال منجر به سلب حیات و در خصوص شرکت در جرائم تعزیری و بازدارنده، شرکت در عملیات اجرایی کافی دانسته شده است.

۲- همچنین در خصوص شیوه‌های مجازات شرکای در جرم، گاه شریک همانند و مساوی با مباشر و گاه نیز به دلیل شرکت مشدد از مباشر مجازات می‌شود. در نظام حقوقی ایران مجازات شریک مجازات فاعل مستقل است که ممکن است به دلیل سر دستگی از کیفیات مشدد برخوردار شود.

از نظر رکن معنوی نیز بعضی نظام‌ها، شرکت را محدود به جرائم عمدی دانسته‌اند. ولی نظام حقوقی ایران بخصوص از سال ۱۳۵۲ به بعد شرکت در جرائم غیر عمدی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

معاونت در جرم

^{۱۳}. فلچر، ۱۳۸۴: ۳۲۴ و ۳۲۵

در رابطه با معاونت دو شیوه استقلالی و استعاره ای به چشم می خورد. در شیوه استقلالی معاونت به عنوان جرم مستقل و بدون نیاز به تحقق جرم مباشر پیش بینی شده است. ماده ۲۶ و ۲۷ قانون آلمان از این شیوه پیروی کرده است. در شیوه استعاره ای معاونت امری تبعی بوده و مجازات معاون موقوف به تحقق جرم مباشر است.

« بر مبنای اصل عاریه ای بودن بزهکاری، معاون، مرتکب بزه مستقلاً نمی شود. بلکه عنوان بزهکاری اش را از مرتکب اصلی به عاریت می گیرد. » بر مبنای جمله‌ی معروف استاد کرینی، مباشر و معاون همانند تاروپود یک کیف می‌باشند^{۱۴}. قانون مجازات عمومی فرانسه (مواد ۶-۱۱ و ۷-۱۲۱) و ایران از بدو قانون گذاری تا قانون جدید مجازات اسلامی، از شیوه استعاره ای و تبعی معاونت پیروی کرده است. البته در نظریه استعاره ای بودن مجرمیت معاون، سوالی مطرح می شود. مبنی بر اینکه اگر مباشر جرم به دلیل وجود عوامل موجهه جرم، عوامل رافع مسئولیت کیفری، معاذیر قانونی عفو، مرور زمان و... از معافیت برخوردار شود، این معافیت تا چه حدودی در حق معاون تاثیر دارد. مواد ۲۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، ۳۰ قانون مجازات اسلامی ۶۱، ۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ۱۲۹ قانون جدید مجازات اسلامی با متن مشابهی مقرر داشته اند که « هرگاه مرتکب در ارتکاب رفتار مجرمانه مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از جهات موقوف گردد، تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد».

بحث اساسی دیگر در قلمرو معاونت در جرم آن است که آیا مجازات معاون باید خفیف تر از مجازات مباشر باشد یا اینکه باید مجازات یکسانی برای مباشر و معاون در نظر گرفته شود؟ در حقوق آمریکای فرانسه نظریه برابری مسئولیت برای تمام شرکت کنندگان وجود دارد. حال آنکه در نظام حقوقی آلمان و روسیه مجازات معاون کمتر از مجازات مباشر گرفته می‌شود^{۱۵}. نظام حقوقی ایران از ابتدای قانون گذاری کیفری تا کنون، قابلیت سرزنش معاون را کمتر از مباشر جرم تلقی کرده و مجازات معاون را معمولاً حداقل مجازات مباشر یا کمتر از مباشر در نظر گرفته است. در نظام حقوقی ایران معاون به عنوان شخصی که بدون مداخله در عملیات اجرایی جرم صرفاً با تحریک و تدارک و تهیه وسایل، وقوع جرم را تسهیل می کند. از شرکت در جرم جدا گشته و احکام خاص خود را دارد. قبل از تبیین تحولات قانونی در قلمرو معاونت، تفاوت شریک و معاون به صورت مختصر بیان می‌شود.

- ۱- شرکت در جرم، مستلزم مداخله در عملیات اجرایی است، در حالی که در معاونت، معاون در رکن مادی و عملیات اجرایی جرم مداخله ندارد و از دو دستی بر آتش دارد.
- ۲- معاونت امری عاریتی و مباشرت استقلالی است.
- ۳- مصادیق معاونت حصری است و مصادیق شرکت تمثیلی
- ۴- معاونت صرفاً در جرائم عمدی امکان پذیر است ولی شرکت در همه‌ی جرائم

^{۱۴}. لوتومی و کلب، ۱۳۸۷، ۷۶

^{۱۵}. فلچر، ۱۳۸۴: ۲۱۷

۵- معاونت با ترک فعل اتفاق نمی‌افتد در حالی که شرکت ممکن است با ترک فعل هم اتفاق افتد.^{۱۶}

مجازات معاون معمولاً حداقل مجازات مباشر است ولی مجازات شریک مجازات فاعل مستقل است.

تحولات قانون مجازات اسلامی بعد از تصویب قانون اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به مباشرت، شرکت و معاونت در

جرم

در بررسی تحولات معاونت در نظام حقوقی ایران، اولین متن حقوقی ماده‌ی ۵۹ قانون جزای عرفی مصوب ۱۲۹۵ بود که معاون جرم را اشخاصی می‌دانست که با وعده یا تهدید یا سوء استفاده از اختیارات قانونی و تخطی از آن یا تضمین یا تزویر و یا اغوا و یا دادن تعلیمات باعث و محرک جرمی شوند و یا اسباب و آلات جرم برای مباشر تهیه و یا تسهیل اجرای جرم معاونت کرده و یا در حین ارتکاب دخالت نموده‌اند. ماده‌ی ۶۰ قانون مزبور نیز مجازات معاون را نسبت به مرتکب اصلی در حالات مختلف، مخفف در نظر گرفته بود. مواد ۶۱ الی ۶۳ نیز به بعضی مساعدت‌های بعد از ارتکاب جرم به مباشر؛ نظیر تهیه‌ی منزل یا پناهگاه برای مجرمین یا مخفی کردن اموال ناشی از جرم پرداخته بود. ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در خصوص معاون مقرر می‌کرد: اشخاص ذیل معاون جرم محسوب‌اند.

۱- کسانی که باعث و محرک ارتکاب فعلی شوند که منشأ جرم است و به واسطه تحریک و ترغیب آن‌ها فعل واقع شود.

۲- کسانی که تبانی بر ارتکاب جرم کرده و به واسطه تبانی آن‌ها آن جرم واقع می‌شود،

۳- کسانی که با علم و اطلاع از حیث تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن یا به هر نحو به مباشر جرم کمک کرده‌اند. در ماده ۲۹ قانون مذکور به قاضی اختیار داده بود که نظر به اوضاع و احوال قضیه معاونین جرم را به همان مجازاتی که برای شریک جرم مقرر است محکوم نماید و یا مجازات را از یک الی دو درجه تخفیف دهد. ماده ۳۰ قانون مزبور نیز مقرر می‌داشت:

اوضاع و احوال مختص به مرتکب اصلی که موجب تغییر وصف یا موجب تخفیف و تشدید مجازات است، نسبت به معاون جرم موثر نخواهد بود. همچنین هرگاه فاعل جرم به جبهتی از جهات قانونی معاف از مجازات باشد، معافیت او تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت. اشکالات اجرایی در مسائل مختلف معاونت، مقنن را در قانون اصلاحی ۵۲ به تجدیدنظر در معاونت مجبور کرد که نتیجه‌ی آن وجود ماده‌ی ۲۸ سابق قانون اصلاحی ۵۲ بود (نوربها، ۱۳۶۹) ماده‌ی ۲۸ مذکور با تغییرات جزئی ابتدا در ماده‌ی ۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب

^{۱۶} . در خصوص ارتکاب معاونت با ترک فعل نیز اختلاف نظرهایی بین حقوقدانان وجود داشته و قانون جدید نیز در این خصوص موضوع را به سکوت واگذار نموده است. بدین توضیح که به جز موارد خاص نظیر قانون انتقال مال غیر ۱۳۰۸ که معاونت در جرم مذکور را با ترک فعل پذیرفته است، اکثر حقوقدانان معتقدند معاونت با ترک فعل ارتکاب نمی‌یابد و معاون بایستی یکی از رفتارهای مثبت مذکور در بندهای سه گانه ماده ۱۲۶ را انجام دهد. در مقابل بعضی از حقوقدانان معتقدند که ترک فعل می‌تواند یکی از رفتارهای لازم برای معاونت در بند «پ» ماده فوق و تسهیل وقوع جرم باشد. به طور مثال عدم قفل درب یا عدم به کار انداختن دزدگیر با آگاهی از این که دزدی در کمین است می‌تواند وقوع جرم را تسهیل کند و به نوعی معاونت محسوب شود اما مجموعاً تفهیم ضیق قوانین جزایی و تفسیر به نفع متهم برداشت اول را تقویت می‌کند.

۱۳۶۱ و سپس در ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تکرار شد. ماده‌ی ۴۳ مذکور مقرر می‌دارد: اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات نحاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیبه از و عظم و تهدید و درجات تعزیر به تعزیر می‌شوند:

۱- هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا از طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد؛

۳- هرکس عالماً و عامداً وقوع جرم را تسهیل کند تبصره ۱: برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

تبصره ۲- در صورتی که برای معاونت جرمی، مجازات خاص در قانون یا شرح وجود داشته باشد، همان مجازات اجرا خواهد شد.

مقایسه‌ی ماده‌ی ۴۳ مذکور با ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ به جز نقاط اشتراک متعدد چه در مصادیق و چه پذیرش نظام استعاره‌ای (عاریه‌ای) شرط وحدت قصد، تقدم و اقتران زمانی و نیز مشابهت مواد ۲۹ و ۳۰ قانون سابق با مواد ۴۴ و ۴۵ قانون لاحق، دارای وجوه افتراقی به شرح ذیل است.

۱. در قانون سابق (۱۳۵۲) معاونت حکم کلی برای تمام جرائم داشته است، در حالی که در قانون لاحق (۱۳۷۰) در مواردی که در شرع برای معاونت جرمی، مجازات خاص در نظر گرفته شده باشد بایستی به شرع رجوع کرد،

۲. در قانون سابق، معاونت صرفاً محدود به جرائم جنحه‌ای و جنایات بی‌دیده و در جرائم خلافی معاونت جایگاهی نداشت. و مجازات معاون مجازات مباشر در ارتکاب آن بود که دادگاه می‌توانست نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد. در حالی که معاونت در قانون لاحق با از بین رفتن درجه‌بندی مذکور مربوط به تمام جرائم و مجازات آن در قلمرو جرائم تعزیری، مطابق ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی، حداقل مجازات مباشر جرم است. در حدود و قصاص نیز بنا به مورد معاونت با مجازات خاص قانونی تعیین شده است. در خصوص تبصره ۲ ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی در مراجعه به شرع بخصوص در مورد عناوین ممسک در قتل با مجازات (حبس ابد) و ناظر قتل (با مجازات کور کردن) نیز به دلیل عدم وجود نص قانونی و بحث رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در رویه‌ی قضایی اختلاف نظر وجود دارد.

۳. تحولات قانون مجازات اسلامی اخیر التصویب نسبت به مباشرت، شرکت و معاونت در جرم بی‌گمان، قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خالی از تغییر و تحول نبوده است و تبیین این موارد از رسالت‌های نگارنده به شمار می‌رود. طبیعی است که تغییرات سیاست جنایی تقنینی باید در جهت مطلوب باشد و گرنه جز خسران و بی‌عدالتی، نتیجه‌ای را در بر نخواهد داشت. با همین رویکرد، در این قسمت تغییرات و نوآوری‌ها در قلمرو مباشرت، شرکت و معاونت در جرم به تفکیک بیان می‌شود:

مباشرت در جرم

قانون مزبور در بحث مباشرت در جرم همانند قوانین سابق سکوت اختیار کرده و ماده‌ای که به طور مستقیم به مباشرت مادی یا معنوی (همانند قوانین آلمان یا اسپانیا) اشاره کند ملاحظه نمی‌شود. البته پیش‌بینی موضوعات جدید، نظیر بیان اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری (ماده ۱۴۱ قانون جدید) و نیز پذیرش مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر در شرایط خاص (ماده ۱۴۲) و نیز جمع مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی در شرایط خاص (ماده ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۱۴۲ قانون) را نمی‌توان ورود قانون‌گذار به بحث مباشرت قلمداد کرد. البته در ماده‌ی ۲۷۲ قانون در بحث سرقت حدی قانون‌گذاری به نوعی به مباشر معنوی اشاره داشته و مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیر ممیز، حیوان یا هر وسیله بی اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود. و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار امر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است».

شرکت در جرم

در قلمرو شرکت در جرم ماده‌ی ۱۲۵ قانون مزبور به تعریف مذکور در ماده‌ی ۲۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ نظر داشته و عبارت مشارکت در عملیات اجرایی را قید کرده و تا حدود زیادی از ابهام ماده‌ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ کاسته است. چنانچه گفته شد شرکت در عملیات اجرایی به عنوان فارق شرکت از معاونت در رویه‌ی قضایی در سه مفهوم، ارتکاب کامل رکن مادی جرم توسط همه‌ی شرکا (علت تامه) و ارتکاب جزئی از رکن مادی در جرائم مرکب توسط شرکا (علت ناقصه) و یا در شرایط خاص حضور و مداخله در صحنه‌ی جرم (نظیر سرقت مسلحانه برای شریکی که عنصر مادی سرقت را انجام نداده است) تلقی شده است. در خصوص سایر موارد؛ نظیر مجازات فاعل مستقل برای شریک، محدود شدن تعریف شرکت به جرائم مستوجب تعزیر و خروج حدود، قصاص و دیات از دایره‌ی ماده و نیز پذیرش شرکت در جرائم غیر عمدی تغییری نسبت به قانون سابق نداده است.

بنابراین فهرست‌وار تغییرات ماده‌ی مذکور در قانون جدید نسبت به ماده ۴۲ قانون منسوخ (۱۳۷۰) به شرح ذیل است.

- ۱- ورود مفهوم مشارکت در عملیات اجرایی در تعریف شرکت.
- ۲- حذف تبصره ماده‌ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که مقرر می‌دارد: «اگر تأثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد، دادگاه مجازات او را به تناسب تأثیر عمل او تخفیف می‌دهد» به نظر می‌رسد حذف تبصره با توجه به بند ۲ ماده‌ی ۱۸ قانون جدید که در تعیین تعزیر شیوه‌ی ارتکاب جرم، گسترده‌ی نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن را موثر دانسته و نیز صراحت بند ۹ ماده‌ی ۳۸ قانون جدید که مداخله‌ی ضعیف شریک یا معاون در جرم را از کیفیات مخففه محسوب کرده استف خللی به این مبحث وارد نکرده و در حقیقت شاهد تغییر رویه در این خصوص نیستیم.
- ۳- اضافه شدن تبصره‌ای جدید به ماده‌ی ۱۲۵ قانون جدید که مقرر می‌دارد: «اعمال مجازات حدود قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مقررات کتاب دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد». هر چند نسبت به ماده‌ی ۴۲ قانون سابق که صراحتاً شرکت مذکور را ناظر به جرائم تعزیری و بازدارنده دانسته است. تغییری محسوب نمی‌شود، اما ذکر چند نکته در این خصوص ضروری است:

الف) با حذف مجازات‌های بازدارنده در قانون جدید (ماده‌ی ۱۴) و ادغام آن در تعزیرات، بحث شرکت مذکور در ماده‌ی ۱۲۵ قانون جدید، شامل تعزیرات بوده و بحث شرکت در مجازات‌های بازدارنده سالبه به انتفای موضوع است؛ بدین توضیح که هرچند قانونگذار با حذف عنوان مجازات بازدارنده، عنوان مضیق‌تر تعزیرات منصوص شرعی را ابداع نموده و در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شمول بعضی از نهاد های حقوق کیفری را از دامنه‌ی تعزیرات منصوص شرعی خارج نموده است ولی نهادهایی نظیر معاونت و شرکت در جرم مشمول تبصره فوق نبوده احکام شرکت و معاونت در خصوص تعزیرات منصوص شرعی نیز جاری است. تبصره ماده ۱۲۵ و مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی نیز موید این تفسیر است.

ب- در لایحه‌ی اولیه و در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۴ صرفاً اعمال مجازات قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایات از ماده‌ی ۱۲۴ خارج شده بود و در نتیجه تعریف شرکت در ماده شامل جرائم مشمول حد نیز می‌شد. شورای نگهبان در ایراد شماره ۲۰ به لایحه‌ی اولیه اظهار داشت: « نظر به اینکه اطلاق ماده ۱۲۴ شامل حدود هم می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد» مجلس شورای اسلامی جهت رفع ایراد شورای نگهبان با اضافه کردن حدود و کتاب دوم، بحث شرکت در حدود را از قلمرو تعریف شرکت مذکور در ماده‌ی ۱۲۵ قانون حاکم خارج کرد. حال اشکالی که پیش می‌آید این است که برخلاف قصاص و دیات که موادی مرتبط با شرکت در خصوص آن وجود دارد، در خصوص حدود ماده یا موادی درباره‌ی تکلیف شرکت در جرائم مستوجب حد ملاحظه نمی‌شود و این امر یکی از خلاهای قانونی است. البته شرکت در بعضی حدود نظیر شرب خمر و قذف و نیز حدود طرفینی نظیر زنا، لواط، مساحقه و تفخیز بی‌معناست و مشکلی از این جهت ایجاد نمی‌شود. ولی سکوت و عدم تعیین تکلیف قانونگذار در خصوص حدودی؛ نظیر قوادی سرقت، محاربه و بغی و افساد فی الارض که امکان شرکت در آن وجود دارد، ابهام باقی است،

ج- برخلاف ماده‌ی ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که شرکت در قتل را با تعریف مشابهی با ماده‌ی ۴۲ قانون مذکور تبیین کرده بود؛ در قانون جدید ماده‌ای که مستقیم شرکت در قتل را تعریف کند وجود ندارد و این از اشکالات قانون مذکور است. ماده‌ی ۳۶۸ قانون که مقرر می‌دارد: «اگر عده‌ای، آسیب‌هایی را که بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها، موجب قتل او شود، فقط وارد کنندگان این آسیب‌ها شریک در قتل می‌باشند و دیگران حسب مورد به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند». ماده‌ی مزبور اصولاً تعریفی از شرکت در قتل یا لاقل بیان محتوای آن نداشته است. البته ماده‌ی ۵۳۳ قانون مذکور در باب شرکت سبب مقرر می‌دارد: « هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگران گردند، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند».

معاونت در جرم

قانون مجازات اسلامی جدید، مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ را به بحث معاونت اختصاص داده است. ماده‌ی ۱۲۶ مقرر می‌دارد: « اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: ۱- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد؛ ۲- هرکس و سایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد، ۳- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند. تبصره: برای تحقق معاونت در جرم وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم

شرک است، چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.» ماده‌ی ۱۲۶ نیز در خصوص مجازات معاون مقرر می‌دارد: «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

۱- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو و سه؛ ۲- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش، ۳- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی است، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش، ۴- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی.

تبصره ۱- در مورد بند ۴ مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت به مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است. تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود مجازات معاون براساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند ۴ اعمال می‌شود.

ماده‌ی ۱۲۹ قانون جدید نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه در ارتكاب رفتار مجرمانه مرتکب به جهمتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهمتی از جهات موقوف گردد. تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.»

مواد مذکور از جهات مختلف با قانون مجازات اسلامی م صوب سال ۱۳۷۰ دارای تشابه است، از جمله در مصادیق (به جز ۲ مصداق)، استعاره‌ای لزوم وحدت قصد، تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار مرتکب و معاون و تسری به تمامی جرائم عمدی اعم از حدود، قصاص و تعزیرات مگر در موارد استثناء شده (تبصره ۲ ماده ۴۳ و ماده ۱۲۷ قانون جدید). بعلاوه ماده‌ی ۱۲۹ قانون جدید با ماده‌ی ۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دارای مشابهت است.

تغییرات و نوآوری‌های ذیل در مقایسه‌ی مواد مذکور در قانون جدید نسبت به ماده‌ی ۴۳ و ۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ قابل ملاحظه است.

۱. تغییر در مصادیق معاونت: چنانچه بررسی شد مصادیق معاونت در حقوق ایران از بدو قانون گذاری - صری بوده، هرچند در قوانین مختلف این مصادیق با تغییراتی همراه بوده است. در قانون جدید ضمن حفظ مصادیق هفت‌گانه مذکور در ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که عیناً برداشتی از ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ است، دو مصداق به مصادیق مذکور اضافه شده است. مصادیق مذکور عبارت است از: الف) سوء استفاده از قدرت در جهت وقوع جرم ب) ساخت وسایل ارتكاب جرم. مورد اول چنانچه بررسی شد در ماده‌ی ۵۹ قانون مجازات عرفی ۱۲۵۹، تحت عنوان «سوء استعمال اختیارات قانونی» وجود داشت که در قوانین بعدی (۱۳۰۴ و...) حذف گردید. در ماده‌ی ۷-۱۲۱ قانون مجازات عمومی فرانسه نیز «سوء استفاده از مقام» به عنوان یک مصداق معاونت ذکر شده است؛ بنابراین در این مصداق جدید به طور مثال اگر مافوق یا فردی که دارای نفوذ بر دیگران است با سوء استفاده از قدرت خود، حتی بدون آنکه تحریکی یا تهدیدی کند، موجب وقوع جرم دیگری گردد تحت عنوان معاون قابل تعقیب است. البته شناخت دقیق این عنوان جدید موکول به ایجاد رویه قضایی در خصوص آن است. در مورد مصداق جدید دیگر تحت عنوان «ساخت و وسایل ارتكاب» هرچند می‌توان آن را

عنوان جدیدی دانست ولی از طرف دیگر می‌تواند به نوعی مصداقی از تهیه‌ی وسیله ارتکاب جرم باشد. بدین توضیح که عنوان تهیه‌ی وسایل برای مرتکب جرم به اندازه‌ی کافی تفسیر بردار است تا بتوان آن را شامل مقدمه‌ی آن یعنی ساخت وسیله نیز دانست، ولی قانون جدید جهت شفافیت بیشتر صرف ساخت وسایل ارتکاب جرم را مشروط بر اینکه موجب وقوع جرم مباشر گردد، معاونت تلقی نموده است. البته این سوال قدیمی که آیا ماده‌ی ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که ساخت و تهیه‌ی وسیله برای ارتکاب جرم را که ماهیت معاونت دارد به عنوان جرم مستقل قلمداد کرده، ناسخ یا مخصص آن قسمت از بند ۲ ماده ۴۳ قانون مزبور می‌باشد یا خیر؟ همچنان با تصویب ماده‌ی ۱۲۶ قانون جدید به قوت خود باقی است. اگر ماده‌ی فوق را صرفاً ناظر به سرقت ندادیم، می‌توان تفسیر کرد یک بند از مصادیق معاونت (ساخت و تهیه‌ی وسایل ارتکاب جرم) عنوان جرم مستقل پیدا کرده و از عمومات معاونت در جرم و لزوم شرایط آن از جمله ارتکاب جرم مباشر خارج گردیده است. البته به دلیل موخر بودن ماده‌ی ۱۲۶ قانون جدید نسبت به ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی ممکن است این شبهه پیش آید که عام موخر (ماده ۱۲۶ قانون جدید) با یک تفسیر می‌تواند ناسخ خاص مقدم (ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) باشد و در نتیجه قائل به نسخ ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی شد.

۲. ماده‌ی ۱۲۶ قانون جدید در باب معاونت به این سوال و ابهام که همیشه در حقوق جزای ایران وجود داشته و منشأ اختلاف نظر حقوقدانان بوده است، مبنی بر اینکه در صورتی که مباشر جرم خارج از توافق جرائم دیگری انجام دهد آیا جرائم ارتكابی خارج از توافق به معاون تسری داده می‌شود یا خیر؟ پایان داد و نظریه‌ی سفید امضاء مبنی بر این که معاون مثلاً با دادن اسلحه برای سرقت در قتل احتمالی شریک است را مردود اعلام کرده و مقرر داشت: «چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود، معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

۳. تغییر دیگر در قلمرو معاونت در قانون جدید، مجازات قانونی معاونت است. چنانچه گفتیم قانون ۱۳۷۰ در خصوص مجازات معاونت با ابهامات متعددی روبه‌رو است. در متن ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی مجازات معاون با توجه به شرایط امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از و عطف و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر در نظر گرفته شده که به دلیل عدم تعیین میزان تعزیر، خلاف اصل قانونی بودن مجازات (اصل ۳۶ و ۱۶۶ قانون اساسی) تلقی می‌شود. قانون‌گذار جهت رفع این اشکال قانونی در سال ۱۳۷۵، در ماده ۷۲۶ مقرر داشت: «هر کس در جرائم تعزیری معاونت نماید، حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود». با تصویب ماده‌ی فوق هنوز ابهاماتی؛ نظیر تعیین میزان مجازات در جرائم بازدارنده و شمول یا عدم شمول ماده ۷۲۶ به این گونه مجازات‌ها و نیز میزان مجازات معاون برای جرائم تعزیری مستلزم اعدام، حبس ابد و مصادره اموال و حبس‌هایی که حداقل ندارد باقی بود. به علاوه معاونت در حدود نیز به جز موارد صرحه در مواد ۱۷۵ (شرب خمر) و تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲۰۱ سرقت مستوجب حد، به دلیل عدم تعیین مجازات قانونی (در صورتی که به اصل قانونی بودن مجازات پای‌بند باشیم) نبایستی جرم محسوب شود. در مورد قتل عمد نیز با وجود تعیین مجازات یک تا پنج سال برای معاون (در تبصره ماده ۲۰۸ و تبصره ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی) در موردی که قاتل قصاص نشود و مجازات ۳ تا ۱۵ سال معاون (در ماده ۲۰۷ قانون مذکور) در موردی که قاتل قصاص شود؛ هنوز بحث ممسک و ناظر که در فقه با مجازات حبس ابد و کور کردن همراه بود دارای

ابهام است. بعضی قضات به استناد تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات مذکور را هر چند فاقد پایگاه قانونی است را مجری می‌دانند و بعضی قضات نیز به دلیل تصریح کلیه معاونت‌ها در قتل در موارد قانون مذکور، ممسک و ناظر را نیز مشمول مجازات‌های حبس تعزیری می‌دانند. ماده‌ی ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون جدید با شفافیت بیشتری نسبت به تعیین مجازات معاون اقدام کرده است. از طرفی ماده‌ی ۱۲۶ معاونت را ناظر به ترحامی جرائم عمدی دانسته و از طرفی دیگر با نسخ صریح ماده‌ی ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) با ماده‌ی ۷۲۷ قانون جدید، برخلاف قانون سابق در تمامی جرائم تعزیری (با توجه به حذف بازدارنده) حدود و قصاص نفس و عضو و حتی موارد مبهم، نظیر اعدام؛ حبس ابد، مصادره‌ی اموال، انفصال دائم و... مجازات معاون را بر اساس درجه بندی مجازات‌های مذکور در ماده‌ی ۱۹ و علی‌الاصول با یک یا دو درجه تخفیف نسبت به مباشر تعیین کرده است و از این جهت به ابهامات قانون حاکم در خصوص مجازات معاون پایان داده است. البته هنوز ابهام موجود در احاله مجازات معاون به شرع، زمانی که شرع برای معاونت مجازات دیگری تعیین نهوده باشد (نظیر بحث ممسک و ناظر) وجود دارد؛ بنابراین بهتر بود قانون‌گذار با مراجعه به شرع، شخصاً موارد معاونت شرعی و مجازات آن را در ماده ذکر می‌کرد. و از ارجاع قضات به شرع و اختلاف نظرات آتی پیشگیری می‌کرد. البته ارجاع مجازات معاون به قانون چه به شکل پیش‌بینی مجازات معاونت در جرم خاص و چه به شکل پیش‌بینی معاونت به عنوان جرم مستقل (نظیر مواد ۵۰۴ و ۵۱۲ و ۵۴۹ و ۵۹۳ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۶۴ و ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی) اشکالی نداشته و به دلیل تعیین مجازات قانونی باید به عنوان حکم خاص مورد لحاظ قرار گیرد. با اعمال مجازات برای شروع به جرم در ماده‌ی ۱۲۲ تا ۱۲۴ قانون جدید، ابهام مجازات معاونت در شروع به جرم نیز حل گردیده است.

چنانچه گفتیم قانون جدید نوآوری‌هایی در قلمرو تشدید مجازات استفاده‌کنندگان از فرد نابالغ به عنوان و سیله‌ی ارتکاب جرم مستند به خود (ماده ۱۲۸ قانون) و نیز تشدید مجازات سردستگی گروه مجرمانه با تعریف گروه مجرمانه و سردستگی (ماده ۱۳۰ قانون) داشته که موضوع مذکور خارج از بحث تحقیق است. البته اشکال اساسی در این قسمت عدم پیش‌بینی و اعریف جرائم سازمان یافته و تشدید مجازات مداخله‌کنندگان در سازمان جرم بدون آنکه بتوان به آنان شریک جرم اطلاق کرد از خलाهای قانونی است. در حقیقت قانون صرفاً به تعریف گروه مجرمانه تشدید مجازات سردستگی آن پرداخته و جرائم بانندی، گروهی و سازمانی از لحاظ تعریف و آثار آن بخصوص نحوه مجازات مداخله‌کنندگان باقی مانده است.

مسئولیت کیفری گروهی در محاکم مرتبط با جنگ جهانی دوم

مقررات دادگاه‌های نظامی نورنبرگ و توکیو مقرره‌ای به طور خاص در خصوص مسئولیت جمعی، نداشتند ولیکن در خصوص جرایم علیه صلح مقرراتی داشتند که مورد استفاده قضات در مسئولیت جمعی قرار گرفت. ماده ۶ منشور نورنبرگ و بند C ماده ۵ منشور دادگاه توکیو بیان می‌داشت: «جرایم علیه صلح، عبارت است از طراحی، تهیه مقدمات، راه اندازی و برپا کردن جنگ تجاوز کارانه یا جنگ علیه معاهدات و یا شرکت در طرح و تبانی مشترک برای ارتکاب این جرایم».

از این ماده در دو بخش برای طرح ریزی مسئولیت جمعی استفاده شد. نخست در بخش عضویت در سازمان مجرمانه و دیگری تبانی.

در بخش عضویت در سازمان مجرمانه، بعد از جنگ جهانی دوم این بحث وجود داشت که چگونه با نازی‌ها برخورد کنند. در این زمینه بریتانیا خواستار اعدام تمامی اعضای کادر رهبری نازی‌ها بود، اما افسران ایالات متحده آمریکا بر تشکیل دادگاه و محاکمه تاکید داشتند. هرچند نهایتاً نظر دوم پذیرفته شد؛ اما در زمینه اجرا، مشکلاتی از جمله این که چه کسانی مورد محاکمه قرار گیرند، وجود داشت. برای حل این مشکلات، پیشنهادهای مطرح شد که در نهایت راهکار مورد پذیرش این بود که متحدين، رسماً علیه سازمان‌های اصلی حزب نازی کیفرخواست صادر کنند. بنابراین در فرض اثبات مجرمیت یک سازمان، اصل بر آن بود که عضویت در آن سازمان، خود دال بر بزهکاری است، مگر این که متهم ثابت کند پیوستن او به آن گروه عمدی نبوده و یا این که از اهداف گروه بی اطلاع بوده است.^{۱۷}

وضع چنین مسئولیتی موجب شد که برای دو میلیون نفر کیفرخواست صادر شود. در بخش تبانی، دادگاه نورنبرگ، تبانی را هم به عنوان یک جرم علی‌حده در جرایم علیه صلح و هم به عنوان گونه‌ای از مسئولیت پذیرفت. طبق گونه اول، تبانی خود به عنوان یک جرم تلقی گردید. ماده ۶۱ اساسنامه، گونه‌ی اول تبانی را بیان نموده است. لذا در خصوص جرایم علیه صلح، صرف تبانی برای ارتکاب این جرایم، کافی است ولو آن که جرایم مذکور عملاً واقع نشود.

مطابق گونه دوم تبانی، این مفهوم به عنوان مبنایی برای مسئولیت مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر، در این روش تبانی به خودی خود جرم نیست اما می‌تواند به عنوان مبنایی برای مسئولیت افراد نسبت به جرایم واقع شده به کار رود. ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ بعد از ذکر انواع جرایم علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در بیان این مفهوم از تبانی بیان می‌دارد: «رهبران، سازمان‌دهندگان، محرکان و شرکاء دخیل در تنظیم یا اجرای طرح مشترک یا تبانی برای ارتکاب همه جرایم پیش گفته در قبال تمام جرایم انجام شده، توسط همه اشخاص در طرح، مسئول هستند».

تبانی به عنوان گونه‌ای از مسئولیت کیفری با مسامحه و اغماض یکی از اقدامات مسئولیت مجرمانه مشترک در پرونده پینکرتون مورد پذیرش قرار گرفت.

با این حال آن چه در دادگاه نورنبرگ مطرح شد را نباید مسئولیت کیفری جمعی در مفهوم امروزی و واقعی آن بدانیم، چرا که اگر چه عضویت در سازمان و تبانی شباهت زیادی به مسئولیت جمعی دارد، لکن تفاوت‌هایی با آن دارد؛ آن چه در مسئولیت مجرمانه جمعی اهمیت دارد این است که صرف عضویت در گروه مجرمانه یا تبانی برای ارتکاب یک جرم، موجب مسئولیت نمی‌شود؛ بلکه عضویت به علاوه اقدام در جهت پیشبرد اهداف گروه در ذیل به یک جرم داخل در صلاحیت دادگاه بین‌المللی، مدنظر است که مرتکب در را تمامی جرایم اعضای گروه سهیم می‌کند. این تفاوت و تفاوت‌هایی از این قسم، سبب می‌شود عضویت در گروه و تبانی را دقیقاً منطبق بر مسئولیت جمعی ندانسته و صرفاً آن را مبنایی برای رواج و شکل‌گیری شالوده مسئولیت جمعی بدانیم.

^{۱۷}. Pomorski, ۱۹۹۰, ۲۲۰.

مسئولیت کیفری گروهی در دادگاه روند

دادگاه کیفری بین الملل روآندا نیز مفهوم مسئولیت کیفری جمعی را تایید نموده است. در پرونده روآماکوبا (رای در مورد حکم استیناف) دادگاه تجدید نظر مقرر نمود که این دادگاه با استناد به مسئولیت کیفری جمعی به عنوان نوعی از مسئولیت، صلاحیت محاکمه پژوهش خواه به اتهام کشتار جمعی را داشته است.^{۱۸}

مسئولیت کیفری گروهی در دادگاه کیفری بین المللی

اساسنامه دادگاه کیفری بین الملل به عنوان نخستین سند بین المللی در عرصه حقوق بین الملل کیفری است که مشتمل بر مقرراتی راجع به مسئولیت بر مبنای مسئولیت جمعی است. این اساسنامه، بر خلاف دو دادگاه موقت قبلی که نامی از عنوان مسئولیت جمعی نیاورده و صرفاً با تمسک به رویه قضایی بین المللی، این مفهوم را در آرای خود به کار گرفتند، در بند ۳(d) از ماده ۲۵ به این نوع از مسئولیت اشاره نموده است. در این بند آمده است شخص نسبت به جنایاتی که در صلاحیت دیوان بین الملل کیفری قرار دارد، در هر یک از حالات زیر مسئولیت داشته و قابل مجازات است:

از طریق گروهی از اشخاص که با هدف مشترکی اقدام می کنند و به هر نحو به ارتکاب جرم یا شروع به ارتکاب آن کمک کنند و این کمک رسانی باید عمدی باشد و حسب مورد:

یک: به منظور پیشبرد فعالیت مجرمانه یا هدف مجرمانه گروه صورت پذیرد، مشروط بر این که فعالیت یا هدف مورد نظر شامل ارتکاب یکی از جنایات در صلاحیت دیوان باشد.

دو: با علم و آگاهی از تصمیم گروه مبنی بر ارتکاب جرم انجام شده باشد. این مقرر اگرچه صریحاً به مسئولیت کیفری مشترک اشاره ای ندارد؛ اما با بیان فعالیت مجرمانه گروهی از اشخاص که با هدف مشترک اقدام می نمایند، کاملاً با مفهوم مسئولیت کیفری مشترک هم پوشانی دارد. با این حال، این ماده از سوی مفسران مورد انتقادات گسترده ای از جمله این که محدوده این ماده نمی تواند دسته سوم مسئولیت مجرمانه مشترک را، در برگیرد، قرار گرفته است.^{۱۹}

مسئولیت کیفری جمع در حقوق کیفری ایران

اغلب اوقات، جنایات بین المللی از اقدامات انفرادی افراد حاصل نمی شود، بلکه محصول عملیات مجرمانه دسته جمعی و متعاقب بر یک طرح مجرمانه مشترک است. منطق و مبنایی که موجب می شود در این فرض هر یک از این افراد به عنوان مجرم اصلی و نه معاون جرم، مسئول شناخته شوند، در پرونده تادیچ، توسط شعبه تجدید نظر دادگاه یوگوسلاوی سابق، به این نحو بیان شده است: « درست است که فقط برخی از اعضای گروه، اقدام مجرمانه را به طور مادی انجام داده اند، اما مداخله و کمک رسانی دیگر اعضای گروه، غالباً با اهمیتی حیاتی در تسهیل ارتکاب جرم مورد نظر دارد. به همین دلیل، از نظر اخلاقی اهمیت چنین مداخله ای، اغلب از کار کسانی که عوامل اقدامات مجرمانه مورد نظر را به اجرا در می آورند، کمتر نیست و در حقیقت این دو با هم تفاوتی ندارند».^{۲۰}

^{۱۸} . Decision On Interlocutory Appeal .Rwamkuba ۲۰۰۴.ss۹،۳۰

^{۱۹} . جانی پور، ۱۳۹۳، ۱۴۵

^{۲۰} . Tadic Appeals Judgenent, para, ۱۹۱

دکترین مسئولیت کیفری جمعی، مسئولیت کیفری را در ارتباط با جرایم کلان و گسترده، در جایی که تعیین نقش هریک از اعضای گروه به دلیل پیچیدگی و گستردگی مبهم است، به تمامی اعضای گروه نسبت می‌دهد. مفهوم مسئولیت کیفری جمعی اغلب اشاره به طرح مشترک، برنامه مشترک و هدف مشترک دارد. طبق این مفهوم اعضای گروهی که دارای این هدف و برنامه مشترک هستند، در پاره‌ای از اوقات، علاوه بر مسئولیت پیدا کردن در برابر جرایمی که شخصاً مرتکب آن شده‌اند در برابر تمامی جرایمی که اعضای گروه مرتکب آن گردیده‌اند، مسئولیت کیفری دارند؛ البته نکته مهم این جاست که باید این جرایم به عنوان نتیجه طبیعی طرح مشترک آن‌ها قابل پیش‌بینی باشند.

این نوع از مسئولیت ظهور دفعی نداشت و در محاکم قبل از دادگاه یوگوسلاوی نیز دارای سابقه بود. سابقاً محاکم بین‌المللی در جهت مجازات تمامی مداخله‌کنندگان در این جرایم متوسل به برخی مفاهیم می‌شدند که هرچند با مسئولیت مجرمانه جمعی متفاوت بود ولیکن مبنای ظهور این نظریه را تشکیل می‌داد.

نتیجه‌گیری

با نگاهی مقایسه‌ای به شیوه‌ی برخورد با مداخله‌کنندگان در ارتکاب جرم چهار نظام شناخته شده به شرح ذیل خلاصه می‌شود، با این توضیح که نظام حقوقی ایران از نظریه‌ی چهارم استفاده کرده است: نظام نفی شرکت و معاونت، سیستم پذیرش شرکت در کنار مباشرت و نفی معاونت، سیستم پذیرش سه عنوان مستقل.

نظام اول یعنی، نفی شرکت و معاونت که قصد ساده کردن حقوق جزا از عناوین موجود را دارد بر این باور است که عنوان مباشر و مباشرین، جهت مبارزه با مداخله‌کنندگان مستقیم و غیرمستقیم در جرم کفایت می‌کند در حقیقت مطابق این نظر بهتر است تفاوت‌های بین شرکای جرم و هم‌کاران مجرم (معاونین) حذف شود و با عنوان واحدی با مداخله‌کنندگان مستقیم و غیرمستقیم در جرم مقابله شود. در زیر مجموعه نظام دوم یعنی پذیرش شرکت و مباشرت و نفی معاونت دو تفکر مستقل وجود دارد: نفی معاونت و عدم پذیرش آن به طور کلی و پذیرش مشروط معاونت به صورت تبعی به عنوان بخش جداناپذیر عمل مجرم اصلی و مباشر جرم. در نظام سوم معاونت و مباشرت پذیرفته شده اما با شرکت در جرم در قالب مباشرت برخورد می‌گردد. در نهایت در نظام چهارم این سه عنوان به صورت مستقل به رسمیت شناخته می‌شوند. در این نظام قانون‌گذار ضمن تفکیک سه عنوان مباشرت، شرکت و معاونت در جرم، قصد تمایز قائل شدن بین آثار متفاوت مرتب هریک را دارد. در جمع بندی نهایی نکات ذیل بایستی مورد توجه قرار گیرد:

اولاً: باید اذغان کرد، تقسیم بندی فوق‌الذکر مطلق نبوده و صرفاً بیانگر شمای کلی از تفکرات در این قلمرو است.

ثانیاً: هرچند نظام‌های سه‌گانه اولیه (نظام نفی شرکت و معاونت، نظام پذیرش شرکت در کنار مباشرت و نفی معاونت، نظام پذیرش معاونت در کنار مباشرت و نفی شرکت) در سهولت و ساده‌سازی و فهم راحت‌تر حقوق جزا در این زمینه و نیز مباحث مرتبط با آئین دادرسی؛ نظیر کشف و دادرسی قابل دفاع‌تر است، اما این نظام - که حقوق جزای ایران از بدو قانون‌گذاری از آن پیروی کرده است.

در جهت فردی کردن مجازات و در نظر گرفتن این نکته که در مسئولیت کیفری، عادلانه آن است که هر فرد به اندازه سهمش مسئولیت داشته باشد و رفتار مختلف بایستی سرزنش‌های متفاوت را در پی داشته باشد؛ عادلانه‌تر به نظر می‌رسد.

در حقوق ایران جرم سردستگی در کنار تعریف جرم سازمان یافته مورد تبیین قرار گرفت. قانونگذار در ماده ۱۳۰ ق. مصوب ۱۳۹۲ برای تحقق و صدق عنوان مجرمانه سردسته بر رفتار فیزیکی فرد، شرایطی را مقرر نموده است. لزوم وجود یک گروه که مرتکب فعالیت‌های مجرمانه می‌شوند اعم از اینکه از ابتدا برای ارتکاب جرم تشکیل شده باشد یا پس از تشکیل، هدفش بدین جهت منحرف گردیده باشد، از جمله این موارد است. در این قانون جرم سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته و عناصر لازم در جهت جرم انگاری آن بیان گردیده است. سردستگی شامل تشکیل، طراحی، سازماندهی و اداره یک گروه مجرمانه است نقشی که در چارچوب هرم ساختاری گروه‌های مجرمانه سازمان یافته در راس هرم قرار گیرد عمدتاً فردی است که از ضریب هوشی بالا و موفقیت اجتماعی عالی برخوردار است با بهره‌گیری از دانش و فن تخصصی و با توسل به شیوه‌های نیرنگ‌آمیز و متقابلانه به اهداف گروه که اکثراً اهداف اقتصادی و کسب قدرت است نائل می‌شوند این افراد اصطلاحاً مجرمین یقه سفید یا طلایی گفته می‌شود.

در بررسی ماده ۱۳۰ ق. م. ا در بحث سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته، قانونگذار در تعیین مجازات سر دسته با استعانت از نظریه مجرمیت استعاره‌ای، مجازات سردسته را حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی اعضا قرار داده، همچنین در انتهای ماده، ضمن پذیرش نظریه مجرمیت مستقل در صورتی که فعل سردسته، عنوان محاربه یا افساد فی الارض پیدا کند حسب مورد وی را صرف نظر از وقوع یا عدم وقوع جرم اصلی توسط اعضا، به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم نموده است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قانون مجازات اسلامی نظریه استعاره نسبی را در این خصوص برگزیده است.

منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی و دوم، تهران: نشر میزان
- ۲- استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه‌ی حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، تهران: علامه طباطبایی.
- ۳- آقای جنت مکان، حسین (۱۳۹۲)، حقوق کیفری عمومی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: نشر جنگل
- ۴- زراعت، عباس (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر جنگل
- ۵- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ویرایش اول، تهران: انتشارات ققنوس
- ۶- زراعت، عباس (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی تطبیقی، چاپ اول، قم: نگین
- ۷- شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزائی، چاپ اول، اصفهان: دیدار
- ۸- شمس ناتری، محمدابراهیم و دیگران (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان

- ۹- صادقی، محمد هادی (۱۳۹۲)، «اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی» مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۶، پاییز و زمستان، ص ۵۶-۳۳.
- ۱۰- صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران: طرح نو
- ۱۱- عباسی، اصلی (۱۳۸۹)، قانون مجازات آلمان، (ترجمه)، چاپ اول، تهران مجد.
- ۱۲- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۷)، حقوق جنایی، جلد اول، چاپ اول، تهران: فردوسی.
- ۱۳- فلچر، جورج پی (۱۳۸۴)، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه‌ی سید مهدی سیدزاده، چاپ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۱۴- فیض، علیرضا (۱۳۶۹)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۵- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۰)، تسبیت در قوانین کیفری، تهران: نشر جنگل
- ۱۶- گارو، (۱۳۴۸)، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه‌ی سید ضاء‌الدین نقابت، جلد سوم، چاپ اول، تهران: ابن سینا.
- ۱۷- لورانسن، لوتورمی و پاتریک کلب (۱۳۷۹)، بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه، ترجمه‌ی محمود روح‌الامینی، چاپ اول، تهران: میزان
- ۱۸- محمدی همدانی، محمدعلی (۱۳۸۹)، تبیین فقهی معاونت در جرم و مقایسه آن با قوانین موضوعه، تهران: نشر جنگل
- ۱۹- محسنی، مرتضی، (۱۳۷۶)، دوره حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری، جلد سوم، ویرایش اول، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- ۲۰- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۹)، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- ۲۱- مرادی، حسن (۱۳۷۳)، شرکت و معاونت در جرم، چاپ اول، تهران: میزان
- ۲۲- نوریها، رضا (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی؛ چاپ اول، تهران: کانون وکلای دادگستری مرکزی.
- ۲۳- اداری وحدت رویه و نشر مذاکرات هیئت عمومی دیوان عالی کشور، (۱۳۸۶)، مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۸۳، چاپ اول، تهران.

- ۱- Akande, Dapo, the Jurisdiction of the International criminal court over nationals of non parties: legal basis and limits, Journal of International Criminal Justice, vol. ۱, ۲۰۰۳.
- ۲- Ashworth, Andrew; Horder, Jeremy, Principles of Criminal Law, Oxford University Press, ۲۰۱۳.
- ۳- Barker, David; Padfield, Colin, Law Made Simple, London, Routledge, ۲۰۰۷.
- ۴- Bassiouni, Cherif, Crimes against Humanity in International Criminal Law, Kluwer Law International, ۲۰۱۰.

- ۵- Clarkson, C.M.V, Understanding Criminal Law, London, Sweet & Maxwell, ۲۰۰۵
- ۶- Dunnaback, Jeremy, Command Responsibility: a Small – Unit Leaders Perspective, North Western University Law Review, vol. ۱۰۸, ۲۰۱۴.
- ۷- Cryer, Robert, Friman, Hakan, Robinson, Darryl & Wilmshurst, Elizabeth (۲۰۱۰), an introduction to criminal law and procedure, Cambridge University Press, second edition, New York.
- ۸- Lasprogata, Gail Ann, Weblife and Organizational Risk Management for Employee Personal Web Use, Seattle University, ۲۰۱۵.
- ۹- Lippman, Matthew, The Evolution and Scope of Command Responsibility, Leiden Journal of International Law. Vol. ۱۳, ۲۰۰۰.
- ۱۰- Jain, Neha (summer ۲۰۱۱), “the Control Theory of Perpetration in International Criminal Law” (January ۱۶, ۲۰۱۱). Chicago Journal of International Law, vol. ۱۲, no. ۱, p. ۱۵۸. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۸۶۵۸۴۲>.
- ۱۱- Ohlin, Jens David (۲۰۱۵), “co-perpetration: German dogmatic or German Invasion?”, The law and practice of the International Criminal Court: a critical account of challenges and achievements, Carsten Stahn ed., Oxford University Press. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۲۳۵۱۵۱۴>.
Court Decisions:
- ۱۲- ICC, Lubanga Decision: ICC, *the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo*, Case No. ICC-۰۱/۰۴-۰۱/۰۶, Pretrial Chamber I, Decision on the Confirmation of the Charges (public redacted version), ۲۹ January ۲۰۰۷.
- ۱۳- Vark, Rene, Superior Responsibility, Article in the ENDC Proceedings, vol. ۱۵, ۲۰۱۲